

پیوند بیرونی

عمل موفقیت آمیز مرد بدون صورت

یک مرد اهل ایالت «تگزاس» که صورت خود را به طور کامل بر اثر برق‌گرفتگی از دست داده بود، تحت عمل جراحی قرار گرفت. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، این مرد که «انلاس سی وینز» نام دارد، دو سال پیش در پی یک برق‌گرفتگی شدید دچار سوختگی از ناحیه صورت شد و بینی، چشمان و دهان خود را از دست داد. او هم‌اکنون پس از انجام ده‌ها عمل جراحی می‌تواند با دهانش حرف بزند و با بینی‌اش تنفس کند اما همچنان چشم ندارد. این مرد ۲۵ساله که پدر یک دخترچپه سه‌ساله است، گفت: مخارج عمل جراحی بسیار بالاست، اما من از بیمه پدرم استفاده کردم و در این مدت بارها مورد آزمایش‌های روانشناسی قرار گرفتم؛ چرا که همسرم مرا رها کرده و در حال جدایی از من است. او شوهر بدون صورت نمی‌خواهد. بنا بر این گزارش این مرد در نوامبر سال ۲۰۰۸ میلادی حین کمک به عمو و برادرش برای نقاشی کردن کلیسای منطقه «فورت وورت» در تگزاس به یکباره کنترل خود را از دست داد و روی کابل فشار قوی سقوط کرد. وی به مدت سه ماه در کما بود و شش ماه هم برای بهبودی وضعیت سوختگی خود در بیمارستان بستری شد. او تا پیش از اینکه احیاکننده عضو پیدا شود، دهان، دندان، پلک، ابرو و چشم و بینی نداشت اما اکنون پزشکان اعلام کرده‌اند جراحی وی موفقیت‌آمیز بوده است.

جریمه یک کارمند به خاطر چاقی زیاد گروه حوادث: یک قاضی در برزیل، کارمند «هک دونالد» را به اتهام چاقی زیاد و این رستوران زنجیره‌ای را به اتهام بی توجهی به کارمندانش جریمه کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، این قاضی، رستوران زنجیره‌ای «هک دونالد» در برزیل را به اتهام چاق شدن کارمندش و اضافه وزن زیاد به پرداخت ۱۷ هزار و ۵۰۰ دلار و کارمند چاق را به پرداخت هفت هزار دلار جریمه نقدی محکوم کرد. کارمند ۳۲ساله که به عنوان فروشنده در یکی از شعبه‌های این رستوران در منطقه «پورتو آلگرو» برزیل کار می‌کند به دلیل تست مواد غذایی برای نشان دادن کیفیت آنها به مشتریان حدود ۳۰ کیلوگرم اضافه وزن پیدا کرده است.

مرد خواب‌گرد به خودش شلیک کرد گروه حوادث: یک خواب‌گرد با شلیک اسلحه به خودش، پایش را مچ‌زخم کرد. به گزارش شورت‌نیز، این مرد ۴۳ساله به نام «سفنورد رومتن» شامگاه جمعه بافوریتهای پلیس نیویورک تماس گرفت و گفت شخصی در خواب به پای او شلیک و او را به شدت مجروح کرده است. مأموران وقتی به تحقیق در این باره پرداختند، فهمیدند این مرد به دلیل مصرف نوعی دارو به خواب‌گردی دچار شده و خودش با اسلحه ۹ میلیمتری به پای خود شلیک کرده است. این مرد پس از اعزام به بیمارستان ایالتی تحت مداوا قرار گرفت.

مرگ بلندترین مار جهان در ۱۸سالگی گروه حوادث: یک خواب‌گرد بلندترین مار جهان با طول هفت متر پایش را مچ‌زخم کرد. به گزارش شورت‌نیز، این مرد ۴۳ساله به نام «سفنورد رومتن» شامگاه جمعه بافوریتهای پلیس نیویورک تماس گرفت و گفت شخصی در خواب به پای او شلیک و او را به شدت مجروح کرده است. مأموران وقتی به تحقیق در این باره پرداختند، فهمیدند این مرد به دلیل مصرف نوعی دارو به خواب‌گردی دچار شده و خودش با اسلحه ۹ میلیمتری به پای خود شلیک کرده است. این مرد پس از اعزام به بیمارستان ایالتی تحت مداوا قرار گرفت.

مرگ بلندترین مار جهان در ۱۸سالگی گروه حوادث: بلندترین مار جهان با طول هفت متر ۱۸ سالگی در باغ وحش «ووهاپو» در امریکا مرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، این مار «پیتون» که «فلاقی» نام داشت، روز جمعه در ۱۸ سالگی در باغ وحش «ووهاپو» مرد و رکورد بلندترین مار جهان را با خود دفن کرد. رئیس باغ‌وحش ایالت «ووهاپو» در امریکا عنوان کرد: این مار پیتون هفت متری به دلیل وجود یک تومور در تخمدانش مرد. رکورد پیشین مربوط به یک پیتون شش متری در اندونزی بود.

دو هزار الماس در معده مرد سریلانکایی گروه حوادث: پلیس هندوستان از کشف دو هزار و ۶۰ قطعه الماس از معده یک مرد اهل «سریلانکا» خبر داد. به گزارش شورت‌نیز، «محمد شکیف» ۴۲ساله، روز جمعه توسط مأموران فرودگاهی در هندوستان مورد بازرسی بدنی قرار گرفت و مشخص شد ۴۲ کیسه کوچک حاوی دو هزار و ۶۰۰ الماس درون معده‌اش وجود دارد. مأموران پلیس فرودگاه «چنای» پس از شناسایی این مرد او را به بیمارستانی در «کرومپت» در شهر این شهر منتقل و الماس‌ها را از داخل معده وی خارج کردند. سخنگوی پلیس فرودگاه «چنای» در جنوب هندوستان گفت ارزش تقریبی این میزان الماس کشف‌شده بین ۳۲۷ هزار و ۳۵۷ دلار تا ۶۷۴ هزار و ۷۱۵ دلار تخمین‌زده شده است. این مرد در بازجویی‌های اولیه اعلام کرد الماس‌ها را برای یک تاجر سریلانکایی قاچاق کرده است.

خبر

جنایت، پایان یخش دعوی زنانه گروه حوادث: مردی جوان که برای پایان دادن به دعوی سه زن، شوهر یکی از آنها را به قتل رسانده است دیروز محاکمه شد. به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسه محاکمه مرد دین صفینی نماینده دادستان تهران خطاب به قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران گفت: رسول متهم ۲۵ساله این پرونده همسایه خود به نام محمد را به قتل رسانده است. این دو نفر نسبت فامیلی هم با هم داشتند. بعد از اینکه همسران آن دو بر سر سر آبگرمکن با هم درگیر شدند رسول برای پایان درگیری وارد ماجرا شد. از آنجایی که محمد نیز قصد داشت از همسرش دفاع کند با رسول درگیر شد و رسول او را با چاقو زد. در ادامه جلسه دادگاه در حالی که اولیایی دم مقتول خواستار قصاص متهم شده بودند رسول در جایگاه حاضر شد. وی گفت: من قبول دارم محمد را زدم. روز حادثه متوجه شدم همسر من با همسر برادرش با همسر محمد درگیر شده‌اند و دعوا بر سر آبگرمکن است. خواستم با محمد صحبت کنم تا درگیری را پایان دهمیم که دیدم محمد با سه نفر از اقوامش آمد. آنها مرا زدند من هم مصیبتی شدم، یک چاقوی میوه خوری برداشتم و بیرون رفتم. وقتی دیدم زورم به آنها نمی‌رسد چاقو را پرت کردم تا محمد را دور کنم اما چاقو به شاه‌رگ محمد برخورد کرد و او کشته شد. بنا بر این گزارش قضات هنوز کمک متهم را صادر نکرده‌اند.

گروه حوادث: یک زن مبتلا به معلولیت ذهنی که با ضربه چاقو شوهرش را به قتل رسانده، روز گذشته در جلسه محاکمه ضمن توضیح ماجرای قتل، داستان زندگی‌اش را برای قضاات بازگو کرد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسه محاکمه «شفیقی» نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و خطاب به قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران گفت: فرشته زنی ۲۴ساله است که با ضربه چاقو شوهرش حسین را به قتل رسانده است. این زن سه سال با شوهرش زندگی کرد و روز حادثه در پی یک مشاجره لفظی او را کشت. هرچند پزشکی قانونی درصدی از معلولیت ذهنی را در زن جوان تایید کرده است، اما آن را رافع مسؤولیت کیفری ندانسته و من به عنوان نماینده دادستان تهران با توجه به اقرار صریح متهم، شهادت شهود و سایر قرائن موجود در پرونده تقاضای صدور حکم قانونی را در این خصوص دارم. در ادامه فرزندان و مادر مقتول به عنوان ولی دم برای متهم تقاضای صدور حکم قصاص کردند.

سپس فرشته در جایگاه حاضر شد. او ابتدا حاضر نبود از خودش دفاع کند و حرفی برای گفتن نداشت. او است بیفتد قبول دارد و حرفی برای گفتن ندارد. او می‌گفت کسی حرفش را باور نمی‌کند اما زمانی که قضات به او اطمینان دادند حرف‌هایش را با دقت گوش می‌کنند از خود در برابر اتهام قتل دفاع کرد. وی گفت: من شوهرم را به عمد نکشتم و این فقط یک حادثه بود. اگر عمدی در کار بود، من او را در خانه خودم می‌کشتم و نه در خانه شوهرم.

این زن درباره روز حادثه گفت: آن روز ما در خانه خواهرشوهرم بودیم. حسین و خواهرش با هم جر و بحث داشتند من هم در این میان حرفی زدم و شوهرم عصبانی شد و گفت من نباید در کارهای او دخالت کنم. من هم جواب دادم از این به بعد تو هم در کارهای من دخالت نکن. این حرف‌ها باعث شد بین ما مشاجره‌ای در بگیرد و من به پدرشوهرم که فوت شده بود فحشی دادم. خواهرشوهرم عصبانی شد و به حسین گفت به دهانش بز ن تا دیگر از این حرف‌ها نزنند. حسین هم به دهان من کوبید. این اولین باری بود که حسین با من بدرفتاری می‌کرد. بعد از اینکه مرا زد درگیری شدت یافت و او مرا زیر مشت و لگد خودش گرفت. من هم از خودم دفاع کردم. نمی‌دانسم چه شد و چرا این‌طور کنترل خودم را از دست دادم. خواهران شوهرم سعی می‌کردند وساطت کنند، من نمی‌توانستم جلوی ضربات شوهرم را بگیرم و عصبانی هم شده بودم کارد میوه‌خوری را از کنار بشقاب برداشتم و یک ضربه به شوهرم زدم که فکر می‌کنم به قلبش برخورد کرد و روی زمین افتاد. وقتی او را به بیمارستان رساندیم سعی کردند

نجاتش دهند اما شوهرم فوت شد. فرشته در ادامه گفت: همه می‌دانند من حسین را به عمد نکشتم. من او را دوست داشتم. ما همیشه با هم مشاجره می‌کردیم اما هرگز حسین مرا کتک نمی‌زد. آن روز وقتی جلوی دیگران مرا زد تحقیر شدم و نتوانستم جلوی خودم را بگیرم. من قبول دارم با چاقو به سینه حسین زدم اما باور کنید به عمد نبود و در آن لحظه نتوانستم خودم را کنترل کنم.

در ادامه جلسه محاکمه وکیل‌مدافع فرشته در جایگاه حاضر شد و در دفاع از موکلش گفت: فرشته زنی ۲۴ساله است که متأسفانه در چهارسالگی مادرش را از دست داد. او با نامداری‌اش زندگی می‌کرد و شرایط مناسبی در زندگی نداشت. فرشته دچار بیماری روانی نیز هست و به همین دلیل از سوی خانواده‌اش تحت مداوا قرار گرفته اما چون درمان طولانی‌مدت و مداوم نبود تاثیر نداشت. فرشته زمانی که دختری بسیار جوان بود به خاطر سرقت دو هزار تومان از جیب پدرش به شدت کتک خورد و برخورد نامناسب با او باعث شد این دختر از خانه فرار کند. او پس از مدتی نیز با حسین آشنا شد و با هم زندگی کردند. وکیل‌مدافع ادامه داد: جدای از مشکلاتی که فرشته در زندگی‌اش داشت، پزشکی قانونی اعلام کرده او زنی است که هرچند مسوول اعمال خودش است، اما درصدی معلولیت ذهنی دارد و به نظر من این موضوع باید دوباره در کمیسیون کیفری پزشکی قانونی مورد بررسی قرار گیرد تا وضعیت متهم یک بار دیگر مورد بررسی قرار گیرد، چراکه ظاهر متهم از چهره گرفته تا طرز برخوردش نشان می‌دهد که او

حوادث

محاکمه یک زن معلول ذهنی به اتهام شوهر کشی

وکیل مدافع متهم خواستار بررسی سلامت روانی موکلش شد



دچار اختلااتی است.

وی ادامه داد: موکل من در زندان نیز به شدت پرخاشگری می‌کند و مسوولان زندان نیز این موضوع را تایید کرده‌اند. او به خاطر اینکه مورد تمسخر و آزار زنان زندانی قرار می‌گیرد و از آنجایی که مهارت کنترل خشم را ندارد با آنها درگیر می‌شود. بنابراین تقاضا دارم در خصوص سلامت روان متهم با توجه به گفته‌های پزشکی قانونی دستور رسیدگی مجدد صادرشود.

وی همچنین گفت: حسین قبل از اینکه با فرشته ازدواج کند با زن دیگری زندگی می‌کرد که به دلیل اعتیادش از هم جدا شدند. البته فرشته می‌گوید شوهرش قبل از ازدواج با او اعتیادش را ترک کرده بود اما از شش ماه پیش از قتل این مرد دارویی را یک روز در میان به خود تزریق می‌کرد. زمانی که از فرشته پرسیدم این تزریق به خاطر چه بود و دارو برای چیست، او گفت: دارو فرشته‌نمی‌دانم.

شوهرم در این باره حرفی نمی‌زد و به من می‌گفت بیمار شده است و دکتر به او گفته دارو تزریق کند. فرشته بارها گفته است شوهرش مدتی قبل از مرگش به شدت پرخاشگر شده و درگیری‌های آنها زیاد شده بود. بعد از وکیل فرشته، دختران مقتول درباره نحوه آشنایی پدرشان با فرشته توضیح دادند.

فرشته ادعا کرده بود پدرش او را به زور به عقد مردی پیر درآورد اما او جدا شد و دیگر از ترس به خانه پدرش نرفت. پدرم فرشته را صیغه کرده بود و وقتی او را به خانه‌اش برد متوجه شد فرشته قبلاً ازدواج نکرده و دروغ گفته است. بعد از آن بود که

یک زن، پشت پرده نزاع خونین مردان عاشق‌پیشه متهم بعد از قتل خودش را تسلیم و درخواست کرد زودتر اعدام شود

شددن اما پزشکان به آنها گفتند به‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته و انجام عمل جراحی کامران نتوانست مقاومت کند. به گفته مسوولان بیمارستان چاقو به شکم این مرد ۳۰ساله وارد شده و رگ‌های حیاتی‌اش را قطع کرده و او دچار خونریزی شدیدی شده بود. به این ترتیب پرونده‌ای قضایی با عنوان قتل تشکیل و به بازرس جنایی ارجاع داده شد. پیش از آنکه کارآگاهان برای یافتن محل اختفای بنگاهدار فراری دست به کار شوند، متهم خودش به کلانتری رفت و تسلیم شد. امیر ضمن اعتراف به قتل ادعا کرد زنی به نام یاسمن پشت پرده این جنایت است. امیر وقتی برای نخستین بار ازل بازجویی قضایی قرار گرفت درباره انگیزه‌اش از قتل گفت: «من از مدت‌ها قبل در زمینه مشاوره املاک کار می‌کنم. سه سال قبل در جریان مرادوات شغلی‌ام با زنی ۲۸ساله آشنا و به او علاقه‌مند شدم، اما یک سال بعد از دوستی‌مان فهمیدم یاسمن متاهل است و فرزندی ۱۳ساله دارد. با وجود اینکه از تاهل یاسمن باخبر شده بودم به خاطر علاقه‌ای که به او داشتم،

پدرم متوجه شد فرشته در بهزیستی زندگی می‌کرد و از آنجا فرار کرده و مدت‌هاست که خانواده‌اش را ترک کرده است. پدرم برای کمک به فرشته با او به خانه پدری‌اش رفت و برای ازدواج از پدر فرشته اجازه گرفت. با اینکه فرشته نامادری ما بود خانواده‌ام بسیار به او احترام می‌گذاشتند و پدرم همیشه در برابر خانواده از فرشته دفاع می‌کرد. آن روز هم همه سعی می‌کردند جو را آرام کنند و حتی یکی از عمه‌هایم سریع چاقوهایی را که برای میوه‌خوری آورده بود جمع کرد. همه تصور می‌کردند دیگر چاقویی نمانده است اما فرشته چاقویی را زیر زانوییش مخفی کرده بود. پدرم فکر می‌کرد فرشته می‌خواهد خودش را بزند و سعی کرده بود او را کمک کند اما فرشته چاقو را به قلب او فرو کرد. نامادری‌ام دروغ می‌گوید که قصد قتل پدرم را نداشت. او چندین بار پدرم را تهدید کرده و گفته بود او را می‌کشد. پدرم هم می‌خواست فرشته را طلاق بدهد.

در ادامه جلسه دادگاه فرشته برای آخرین دفاع در جایگاه حاضر شد. او گفت: وقتی از زندان تماس گرفتم و از پدرم خواستم به دیدارم بیاید و کمک کند گفت این کار را نمی‌کند. حتی گفت بهتر است فکر کنی من مردهام. من هم از آن روز به بعد تصور کردم پدرم مرده است. با برادرانم هم خیلی تماس گرفتم آنها حتی جواب تلفنم را ندادند. من در این دنیا تنهای تنها هستم. تمام دارایی من حسین بود. او من من می‌گفت درس بخوان و سواد یاد بگیر، من مریش هستم و ممکن است بمیرم. من تو بی‌کس می‌شوی. باید کاری پیدا کنی. به توصیه او به نهضت سوادآموزی رفتم اما در آنجا هم نتوانستم کاری بکنم. شاگردان نهضت مرا اذیت می‌کردند و آنجا هم خیلی دعوا می‌کردم و نمی‌توانستم درس بخوانم برای همین نهضت را هم رها کردم.

متهم در مورد علت درگیری‌هایش با زندانیان دیگر گفت: شهلا جاهد در زندان خیلی به من کمک می‌کند و چون بی‌کس هستم برایم غذا و لباس می‌آورد و همین هم باعث می‌شود زندانیان دیگر به من حسادت کنند.

این زن ادامه داد: «هن حسین را دوست داشتم نمی‌توانستم او را از دست بدهم. از مرگش خیلی ناراحت و بدبخت شدم. از اولیای دم تقاضا دارم کمکم کنند و من را ببخشند. آنها می‌دانند من به عمد این کار را نکردم.»

وی در مورد سابقه بیماری روانی در خانواده‌اش گفت: پدرم هم مثل من بود. ما خیلی دعوا می‌کردیم. من از ترس پدرم از خانه فرار کردم. او خیلی محکم کتکم می‌زد. بنا بر این گزارش بعد از اتمام دفاعیات متهم هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

یک زن، پشت پرده نزاع خونین مردان عاشق‌پیشه متهم بعد از قتل خودش را تسلیم و درخواست کرد زودتر اعدام شود

به اسم کامران رابطه دارد. این در حالی بود که من در زندان به یاسمن گفته بودم اگر پای مرد دیگری وسط است بهتر است موضوع را بدانم تا خودم را بدون هیچ دردسر و مشکلی کنار بکشم. بعد از اینکه از رابطه یاسمن و کامران مطلع شدم یک روز آن مرد با من تماس گرفت و ضمن تبدیل کردن شکام به یقین، گفت می‌خواهد با یاسمن ازدواج کند. من نمی‌توانستم چنین چیزی را تحمل کنم. دفترم را به نام یاسمن زده، با شکایت او به زندان افتاده بودم و با احساساتم بازی شده بود. باید کاری می‌کردم. به همین دلیل با کامران قرار ملاقاتی گذاشتم و از او خواستم به بنگاهم بیاید تا بیشتر صحبت کنم. وقتی آمد با چاقویی که همراه داشتم به طرفش حمله کردم و یک ضربه به شکم‌ش زدم. بعد هم خودم را معرفی کردم. الان هم هیچ تقاضایی ندارم و فقط می‌خواهم اعدامم کنید چون چیزی برای از دست دادن ندارم.» بنا بر این گزارش متهم به قتل با صدور قرار بازداشت در اختیار مأموران آگاهی قرار گرفته است تا تحقیقات از او ادامه پیدا کند.

ادامه دارد. بنا بر محتویات پرونده دوم چند روز قبل مردی سراسیمه خود را به کلانتری امین‌آباد رساند و گفت ساعتی قبل سه مرد خشن او را ربوندند و پس از سرقت اموالش وی را در خیابانی دورافتاده رها کردند. وی در ایین باره گفت: صبح امروز- روز حادثه- وقتی از خانه‌ها بیرون آمدم سه نفر من را غافلگیر و با تهدید وادارم کردند سوار خودروشان شوم. یکی از آنها لباس نظامی به تن داشت و من هم که فکر می‌کردم آنها مامور هستند مقاومتی در برابرشان نکردم و سوار شدم.

در طول مسیر آنها چشمانم را بستند و سرم را زیر صندلی نگه داشتند تا نتوانم مسیری را که می‌روند شناسایی کنم. ساعتی بعد وقتی خودرو متوقف شد و آنها چشمانم را باز کردند، فهمیدم در خانه‌ای متروکه هستیم. آنها در آنجا من را مورد ضرب و جرح قرار دادند و با توسل به زور مبلغ ۵۰ هزار تومان وجه نقد، تلفن همراه و مدارک را به سرقت کردند. بعد از مدتی چند ساعت مرا در آنجا نگه داشتند اما سرانجام در خیابانی دورافتاده رهایم کردند.

با اطلاعاتی که این مرد در اختیار پلیس گذاشت، مأموران با انجام تجسس‌های گسترده به اطلاعاتی درباره یکی از آدم‌ربایان دست یافتند و سرانجام وی را دستگیر کردند. هم‌اکنون این متهم در بازداشت به سر می‌برد. تلاش‌ها برای بازداشت دو همدست وی ادامه دارد.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۰ *شرق* روزانه

حادثه‌ها

آزادی سه ایرانی محکوم به حبس ابد در قطر
سه ایرانی زندانی در قطر که با حکم حبس ابد رویه‌رو بودند با پیگیری‌های ایران و سی‌ری کردن بخشی از دوره محکومیت آزاد شدند. به گزارش مهر این سه نفر به اتهام حمل و قاچاق مواد مخدر در قطر بازداشت و به حبس ابد محکوم شده بودند اما با سی‌ری کردن بخشی از دوره محکومیت و پیگیری‌های سفارت ایران و بخش کنسولی وزارت امور خارجه شامگاه جمعه آزاد شدند. این افراد پس از آزادی دوحه را به مقصد ایران ترک کردند.

توزیع حلیم نذری شگردی برای سرت از خانه‌ها

گروه حوادث: دادن حلیم نذری شگردی بود که سه سارق برای ورود به منزل طعمه‌هایشان از آن استفاده می‌کردند. آنها پس از آنکه با این ترفند صاحبخانه‌ها را جلوی در می‌کشیدند با تهدید دست و پای آنها را می‌بستند و وسایل بارزش خانه را غارت می‌کردند. به گزارش خبرنگار ما، روز پنجم همراه مأموران پلیس اسلامشهر که از وقوع یک فقره سرقت به عنف در یکی از مناطق این شهرستان باخبر شده بودند برای بررسی ماجرا به آنجا رفتند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که سه سارق پس از آنکه به بهانه دادن نذری وارد خانه‌ای شده‌اند دست و پای زن صاحبخانه را بسته و جواهرات و وسایل بارزش خانه را دزدیده‌اند. این زن به مأموران گفت: ساعت ۶:۳۰ صبح در حالی که شوهرم سر کار رفته بود زنگ خانه به صدا درآمد و صدای مردی را شنیدم. او گفت: از طرف یکی از همسایه‌ها برایمان نذری آورده است. من هم در آن باز کردم و مردی را که یک کاسه به دست داشت، دیدم. او هنوز جواب سلام را نداده بود که حلیم نذری را روی صورتم پاشید و همراه سه مرد دیگر به زور وارد خانه شدند. آنها دهانم را گرفتند و کتاکشان من داخل یکی از اتاق‌ها بردند. آنها دست و پا و چشم و دهانم را بستند و تهدیدم کردند اگر سر و صدا کنم فرزند خودم را می‌کشند. من هم از ترسم ساکت ماندم و آن شرایط سخت را تحمل کردم. چون چشم‌هایم بسته بود، نفهمیدم سارقان چه می‌کنند اما ساعتی بعد وقتی صدایی شنیدم فهمیدم که آنها فرار کرده‌اند. با زحمت دست و پایم را باز کردم و سراغ فرزندم رفتم. وقتی دیدم او سالم است خیرالم راحت شد اما به هم ریختگی خانه‌ام نشان می‌داد آنها همه جای خانه را جست‌وجو کرده‌اند. چند دقیقه بعد فهمیدم سارقان جواهرات، پول و وسایل دیگری را که حدود ۲۵ میلیون تومان ارزش دارد، دزدیده‌اند. با ثبت این اظهارات تحقیقات پلیس برای شناسایی سارقان آغاز شد. در جریان این تحقیقات سه مأموران به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد سه سارق در خانه‌ای در حوالی اسلامشهر پنهان شده‌اند. به این ترتیب در عملیاتی ضربتی سه تبهکار دستگیر و برای انجام تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شدند. دستگیرشدگان در بازجویی‌های فنی- پلیسی ضمن اعتراف به این سرقت چندین مورد سرقت دیگر را نیز بر عهده گرفتند. تحقیقات از متهمان نشان داد آنها در تمام سرقت‌هایشان از حلیم استفاده کرده‌اند و به بهانه دادن حلیم نذری وارد خانه طعمه‌هایشان شده‌اند. سرهنگ عباس علیپور سرپرست پلیس آگاهی استان تهران با اعلام این خبر از افرادی که با این شیوه از آنها سرقت شده است، خواست برای شناسایی متهمان به پلیس اسلامشهر مراجعه کنند.

نجات از جویه دار چهار سال پس از جنایت گروه حوادث: مردی که متهم است چهار سال قبل دوست خود را به قتل رسانده از قصاص رهایی یافت. این قتل ساعت ۱۹ روز ۱۵ مرد سال ۸۵ به وقوع پیوست. در آن زمان یک دستگاه خودرو آری سبزرنگ در کرج به رگبار بسته شد و بازنده ۳۵ساله آن به نام داریوش به قتل رسید. در جریان تحقیقات پلیسی مشخص شد داریوش فقط با یک نفر اختلاف داشته، به این ترتیب علی‌اصغر ۲۸ساله بازداشت شد. متهم در جریان بازجویی‌های ابتدایی به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: داریوش با هم دوست و همکار بودیم. رقابت ما به حدی بود که رفت و آمد خانواده‌گی پیدا کردیم. بعد از مدتی در یک کار آزاد با هم شریک شدیم و من کم‌کم متوجه شدم او به همسرم نظر دارد. قبل از آنکه بتوانم کاری انجام دهم، زندگی‌ام از هم پاشید و همسرم طلاق گرفت. بعد با داریوش ازدواج کرد. از همان زمان کینه او را به دل گرفتم و درصدد انتقام بودم چون او زندگی مرا نابود کرد و فرزندم به خاطر بی‌مادری به شرایط بدی دچار شد. برای گرفتن انتقام، یک اسلحه کلانشینگ تهیه کردم و روز حادثه در مسیر بازگشت داریوش از محل کارش کشیک دادم. وقتی نزدیک آمد، خودرواش را به رگبار بستم و متواری شدم. در پی اعترافات این متهم، قضات شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران وی را محاکمه و به سه قصاص محکوم کردند که در پی تأیید دیوان عالی کشور نیز رسید. پس از آن علی‌اصغر دو بار تا مرز قصاص پیش رفت اما هر دفعه موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد. او سرانجام دیروز رضایت خانواده مقتول را جلب کرد و از مرگ رهایی یافت.

آتش‌سوزی در جنگل‌های امریکا
سازمان آتش‌نشانی ایالت «کلرادو» در امریکا از تخلیه دو هزار تن از سکنه این ایالت در پی وقوع حریق وسیع در جنگل‌های این منطقه خبر داد. به گزارش ایسنا، «ریک برو» رئیس دپارتمان آتش‌نشانی ایالت «کلرادو» گفت: در پی وقوع حریق که هر لحظه به دلیل وزش باد و خشک شدن هوا گسترش می‌یابد، ۱۵۰ هکتار از جنگل‌های منطقه «بولدر» طعمه حریق شد و بیش از دو هزار تن از سکنه هم مجبور به تخلیه منازل‌شان شدند. این مقام مسوول دپارتمان آتش‌نشانی ایالت کلرادو خاطرنشان کرد: باد با سرعت ۵۶ کیلومتر بر ساعت می‌وزد و با وجود اینکه بیش از یکصد مامور آتش‌نشانی در محل حضور یافتند، باز هم در امر اطفا حریق موفق نبوده‌اند.

پلیس در حال بازداشت مردی که در پی قتل همسرش دستگیر شد

شد و او را به کلانتری منتقل کرد. مرد دستگیرشده وقتی در برابر دختر خردسال قرار گرفت چاره‌ای جز اعتراف نداشت و اتهامش را پذیرفت. سرهنگ «حسین زارع» فرمانده انتظامی شهرستان خوانسار با تایید این خبر به پدر و مادرها توصیه کرد

پلیس در حال بازداشت مردی که در پی قتل همسرش دستگیر شد

در حالی که چند ساعت از این ماجرا می‌گذشت، با اطلاعاتی که دختر خردسال از مرد آدم‌ربا به پلیس ارائه کرد، مأموران سعی کردند با گشت‌زنی در محدوده وقوع جرم متهم را دستگیر کنند. ساعتی بعد یکی از واحدهای گشتی به موتورسواری که مشغول پرسه زدن دو مظنون